

خبر

ارسال ۲۰۰۰ جهیزیه اهدایی رهبر معظم انقلاب به زوج‌های محروم

● رئیس ستاد اجرایی فرمان امام (ره) با بیان اینکه تمام دنیا حسرت داشتن رهبر معظم انقلاب را دارند، گفت: هر که از این انقلاب برخوردارتر، ناراضی‌تر و هر که کم‌برخوردارتر راضی‌تر است. دکتر محمد مصیر در آیین ارسال دو هزار جهیزیه اهدایی رهبر معظم انقلاب به زوج‌های مناطق محروم کشور اظهار کرد: مدتی است در ستاد یک‌سری کارها در حال انجام است که انسان احساس شفع می‌کند.

وی با یادآوری اینکه تفاهم‌نامه درمان نوزادانی که احتیاج به کاشت حلقون دارند هفته گذشته امضا شد، تصریح کرد: رهبر معظم انقلاب روی نرخ رشد جمعیت حساس هستند که یکی از موانع این مسئله مشکلات مربوط به تأمین جهیزیه و مسکن ... است. در ستاد اجرایی فرمان امام روی این مسائل، از جمله اشتغال با مدل‌های مختلف در حال کار هستیم و کل ستاد روی این موضوع متمرکز شده‌اند. رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) با بیان اینکه دستورات رهبر معظم انقلاب بر این است که هرچه در توان است بدون هیچ مضایقه‌ای در اختیار مردم محروم قرار گیرد، اظهار کرد: هر که از این انقلاب برخوردارتر، ناراضی‌تر و هر که کم‌برخوردارتر راضی‌تر است. وی با اشاره به اجرای پروژه‌های اشتغال‌زایی در مناطق کمترتوسعه‌یافته گفت: براین‌اساس تاکنون ۴۰۰ هزار شغل به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در پنج سال اخیر ایجاد شده و قطعا در پنج سال آینده این رقم افزایش خواهد یافت. مخبر با اعلام اینکه «مسکن محرومان را ساماندهی کرده‌ایم که تاکنون ۱۱ هزار واحد آن تکمیل و تحویل شده است»، افزود: بعد از اینکه بنیاد برکت احسان سامان گرفت، تأمین جهیزیه با هدف‌گذاری انجام شد. در برکت احسان هم هر کاری که در حال انجام است بر این محور بوده. رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) تأکید کرد: امروز این‌گونه نیست. او در ادامه گفت: رهبر معظم انقلاب حواسشان به همه‌چیز هست و بابت همین از دولت حمایت می‌کنند. در ستاد آمادگی داریم هر کمکی را به دولت و ارکان نظام انجام دهیم. مخبر با ابراز اینکه کارهای موردی ستاد دستور مؤکد رهبر معظم انقلاب است، گفت: تأمین جهیزیه برای زوج‌های محروم کشور یکی از این کارهاست که امروز ۳۰۰ جهیزیه از مجموع دو هزار جهیزیه ارسال خواهد شد. در ماه‌های آینده اتفاقات بسیار خوبی در خدمات‌رسانی به مناطق محروم روی می‌دهد.

وی یادآور شد: در ستاد اجرایی وقتی به مردم وصل می‌شویم دو به‌علاوه دو چهار نمی‌شود، بلکه وضعیت تصاعد هندسی پیدا خواهد کرد. در بنیاد برکت با پنج میلیون تومان، ۲۰ میلیون تومان کار کرده‌ایم. در این بخش‌های اجتماعی که توسعه یافته به دنبال همین هستیم. به این مراسم، مدنی، معاون مشارکت‌های اجتماعی امام‌زاده احسان برکت، نیز گفت: سالانه ۶۵۰ تا ۷۰۰ هزار ازدواج در کشور اتفاق می‌افتد که از این میزان، ۱۵ درصد از این ازدواج‌ها دچار مشکلات اقتصادی، از جمله تأمین جهیزیه می‌شوند. وی افزود: در مناطقی از کشور جوانانی هستند که حدود چهار سال است در عقد مانده‌اند، اما وسایل اولیه زندگی را ندارند. وی با اشاره به سیاست‌های ستاد اجرایی فرمان امام در این رابطه تصریح کرد: در طرح تأمین جهیزیه مشارکت آن‌جی‌وها و گروه‌های جهادی را داریم. مدنی راجع به برنامه‌ریزی برای اعطای دو هزار جهیزیه اظهار کرد: بر اساس برنامه، تمرکز روی مجموعه‌هایی است (خبریه‌ها و گروه‌های جهادی) که بخش زیادی از راه تأمین جهیزیه را رفته‌اند. در حال پیگیری در سه مرکز در تهران هستیم. جهیزیه اهدایی رهبر معظم انقلاب به زوج‌های محروم کشور شامل یک دستگاه یخچال، ماشین لباسشویی، فرش، جاروبرقی، اتو، ساعت، سرویس ظروف آشپزخانه، سرویس قابلمه، اجاق گاز، تلویزیون، پتو و... است.

شهردار: زنان در امور اداری سالم‌تر کار می‌کنند

● ایسنا: شهردار تهران با بیان اینکه زنان شهرمان نباید پشت مشکلات بمانند، افزود: مدیریت شهری در کنار زنان شهر است و به آنها کمک خواهد کرد. محمدعلی افشانی در مراسم افتتاحیه سیزدهمین نمایشگاه زنان و تولید ملکی که در نمایشگاه دائمی شهرداری تهران برگزار می‌شود، با اشاره به آرم این نمایشگاه که تصویر یک چرخ خیاطی بود، افزود: این تصویر کلیشه اشتغال زنان در ۵۰ سال پیش است و این در حالی است که حالا زنان شرکت‌های بزرگ دانش‌بنیان و علمی را به‌راحتی اداره می‌کنند. وی گفت: ۲۵ سال پیش که من در استانداری سمنان فعالیت می‌کردم و آتاج یک زن موفق شده بود که مزرعه بسته به روش آبیاری قطره‌ای را ایجاد کند، وقتی که من به ملاقات او رفتم، با چکمه پشت تراکتور در حال فعالیت بود. شهردار تهران با بیان اینکه بانوان ۵۰ درصد جامعه هستند و تجربه نشان داده است که در امور اداری سالم‌تر کار می‌کنند، اظهار کرد: نباید چشمانمان به خزانه عمومی دولت و انتظاراتمان از چاه‌های نفت باشد، بلکه باید خودمان در مسیر توسعه گام برداشته و فعالیت کنیم.

«اعتراض خیابانی در ایران اصلا عجیب نیست، چون سابقه زیادی دارد؛ درواقع فقدانش عجیب است...». این بخشی از نظر فاطمه صادقی، پژوهشگر و فعال حوزه زنان، در پاسخ به این سؤال «شرق» است: «آیا مدل اعتراضی در ایران در حال تغییر است؟». صادقی پنجمین پژوهشگری است که گروه جامعه «شرق» به‌منظور بررسی دلایل، آثار و تبعات اجتماعی اعتراضات ماه‌های اخیر در ایران که از دی‌ماه سال گذشته شروع شد و در تابستان امسال هم جسته‌وخریخته در برخی مناطق کشور بروز پیدا کرد، به سراغش رفته است. او در این گفت‌وگو روی موضوع مهمی دست می‌گذارد؛ مکانیسم‌های فرودست‌سازی. مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

آیا اعتراضات مردم را می‌شود اعتراض فرودستان تعبیر کرد؟

بله. البته اگر فرودستان را کسانی تعریف کنیم که در مواجهه با انواع بحران‌ها، اعم از اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و... در حال آسیب‌دیدن هستند. این را هم اضافه کنیم که تنها بخش کوچکی از مردم در این اعتراضات شرکت می‌کنند. برخی همدلی دارند، ولی به دلایل عدیدة مشارکت نمی‌کنند.

ریشه این اعتراضات در کجاست؟

اگر بخواهیم فهم بهتری از نحوه شکل‌گیری آنها داشته باشیم، به نظر من بهتر است به مکانیسم‌های فرودست‌سازی توجه کنیم. در پرازنر بگویم که این روزها تحلیل‌های عجیب‌وغریبی را شاهدیم. یکی از عجیب‌ترین آنها برای من، تحلیل جناب کاشی در همین روزنامه «شرق» بود. ایشان کل مسئله را به نزاع ایدئولوژیک بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی فرومی‌کاهد. به نظر من مسئله این‌روزها به‌هیچ‌رو بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی نیست. تحلیل ایشان از نظر من، از پایه اشتباه است و آدرس غلط می‌دهد. کسانی که در بدنه مدیریتی هستند و اهمتامی به مسائل دارند، تصویر به‌مراتب روشن‌تری دارند؛ مثلا جناب مدیری. ایشان تصویر به‌کلی متفاوتی ارائه می‌دهد و راهکار هم ارائه می‌دهد که عبارت است از اصلاحات زیربنایی. به نظر من یکی از مشکلات جدی عالمان سیاست در ایران همین ناآگاهی عمیق از امور جزئی، از جمله سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان و ناتوانی از ارائه تحلیل است؛ طوری که علوم سیاسی را تبدیل در درسامه ایدئولوژیک و مرامنامه کرده. اگر فرصت شود، به این موضوع خواهم پرداخت. فعلا برمی‌گردم به بحث دوم.

من هم نقطه شروع بحثم را انقلاب می‌گذارم، اما در اینجا پای مناسبات دیگری هم در میان است. انقلاب به سبب وعده‌های بسیاری که به مردم داده شد، ممکن شد: آزادی، عدالت، قانون‌گرایی، برابری، رفع تبعیض، استقلال، جمهوری، اخلاق و... اگر تا آن نقطه‌ی می‌شد نقاشی را به اشتباه و ندانندگاری نسبت داد، اما از یک جایی به‌بعد دیگر این انتساب دشوار بود. زیرا مدیران مسئولیتی در قبال آنها برعهده نمی‌گرفتند. برای مثال در دوره بعد از جنگ، به دلیل وجود تورم بالا، شاهد نخستین اعتراضات شهری پس از انقلاب هستیم.

دوم خرداد فرصتی بود که مردم پای صندوق

رای آمدند تا از طریق صـالمات‌آمیز و متمدنانه

خواست خود را بیان کنند و برای رفع مشکلات گامی

بردارند، اما حاصل، کارشکنی‌های عدیده و دست‌آخـر

تسلیم اصلاح‌طلبان بود. از یک مقطعی به‌بعد،

دیگر بحث بر سر ارزش‌ها و آرمان‌ها نیست؛ بر سر

حفظ موقعیتی است که هر بار با یارگیری از یک گروه

اجتماعی حاصل شد؛ مثلا در سال ۸۴ با یارگیری از

محرومان و در سال ۹۲ با یارگیری از طبقات متوسط.

اما سالل ۹۶ یک نقطه عطف بود؛ چون حوادثی

اتفاق افتاد که عمق مسئله را برای همه معلوم

و حجت را تمام کرد. یکی از آنها زلزله کرمانشاه

بود. ما در سال‌های گذشته اخبار شفاف و اختلاس

و زن خوب و حقوق‌های نجومی و... را می‌شنیدیم،

اما زلزله و نحوه برخورد غیرمسئولانه با آن از دو

چیز پرده برداشت؛ یکی اینکه بی‌توجهی به اموال

عمومی که حاصل آن فقیرترشدن مردم است،

فقط به یک جناح خلاصه نمی‌شود، بلکه همه در

مقیاسی وسیع درگیر آن هستند؛ دوم، دیگر دولت

نقشی ندارد، بلکه مردم در برابر مشکلات عددهای

که در پیدایش بخش مهمی از آنها نقش نداشته‌اند،

یادآور می‌شوم که ما از سال ۸۴ به‌بعد شاهد

ازکارافـادـن روزافزون دولت state و تضعیف آن

بودیم؛ از ۸۴ تا ۹۲ شاهد کندشدن عماردانه چرخ

دولت و تعطیلی بخش عمده‌ای از مکانیسم‌های

نظارتی و نهادی، از جمله سازمان برنامه بودیم.

درواقع دولتی که لاقال ۸۰ سال برای ساختن آن

تلاش شده بود – به نحوه ساختن آن کاری ندارم–

در مدت هشت سال پیچ‌ومهره‌هایش باز و پیاده شد.

سال ۹۲ مجریه جدید سر کار آمد. اما دولت

روحانی حتی در قیاس با دولت خاتمی توان

به‌مراتب کمتری داشت؛ بنابراین نه گامی برای

اصلاح امور برداشت و نه می‌توانست چنین کند.

در عوض قوه مجریه سعی کرد با گذاشتن بخش

عمده‌ای از تخم‌مرغ‌های خود در سبد برجام، سرمایه

خارجی را به‌منظور رفع برخی از مشکلات اقتصادی

جذب کند که البته در این امر هم ناکام ماند.

جامعه

گفت‌وگو با فاطمه صادقی درباره ابعاد اجتماعی اعتراضات در کشور

امیدوار بودن همیشه خوب نیست

شهرزاد همتی



عکس: شهرزاد همتی

فراموش نکنیم که در این دوره هم بهره‌برداری خاص- این‌بار از سوی گروه‌های دیگر- ادامه یافت. در واقع در این دوره تنها امیدی که وجود داشت، هستند. این را هم اضافه کنیم که تنها بخش کوچکی از مردم در این اعتراضات شرکت می‌کنند. دیگر امیدی باقی نماند و عمق مشکلات مشخص شد. در پی این تحولات برخی از مردم به این باور رسیده‌اند که اولا با چرخش به‌اصطلاح نخیکان و انتخابات به‌صورت فعلی بنا نیست تغییرات زیربنایی حاصل شود، بلکه انگار هدف از این سیاست‌ها صرفا خرید زمان برای به‌توقیق‌انداختن مشکلات است.

اگر پیش‌تر، بودند عده زیادی از مردم که گمان می‌کردند اگر یک جناح دغدغه حل مسائل را ندارد و برایش مهم نیست که سر مردم چه بلایی می‌آید، اما جناح دیگری هست که به بهبود نسبی می‌اندیشد، این تصور از بین رفت. همچنین پیش‌تر گمان بر این بود که اگر اشکالاتی هست که جدی هم است، اما در مجموع متولیان امر نیت خیر دارند؛ یعنی روزه‌نامه امیدی هست. وقایع اخیر حجت را تمام کرد. هم‌زمان با اینها اتفاق دیگری هم افتاد و آن اینکه اصلاح‌طلبی به‌عنوان قوی‌ترین جریان سیاسی تبدیل شد به ایدئولوژی. تأکید اصلاح‌طلبان، بر اینکه هر اتفاقی بیفتد، ما همینم و جز این نمی‌شویم و نخواهیم بود، نشان داد که اصلاح‌طلبی در این شرایط قادر به درک موقعیت و سازگاری با آن نیست و دیگر حرف چندیانی ندارد و نمی‌تواند نقش میانجی را ایفا کند.

از اینجا به بعد ما شاهد شکل‌گیری یک مواجهه تدریجی هستیم بین مردمی که پاسخ می‌طلبند و مدیرانی که کمتر بنای پاسخ‌گویی دارند. همه اینها در وضعیتی دارد اتفاق می‌افتد که هیچ آلترناتیو سیاسی چشمگیری روی میز نیست. من مؤکدا عقیده دارم که در اینجا به‌هیچ‌رو نزاع ایدئولوژیک دست بالا را ندارد. اینجا پای حفظ منافع اقلیت در میان است.

در واقع بخش زیادی از مردم، از زمره فرودستان‌اند و این مکانیسم فرودست‌سازی به نفع گروه فرادست ادامه دارد. خواه این فرودستان طبقه متوسطی باشد که در این سال‌ها اندوخت‌هاش را از کف داده است، خواه زلزله‌زدگانی که یک شبه هرچه داشته‌اند، از دست داده‌اند، خواه زنانی که وضعیتشان بدتر شده، خواه معتقدانی که خلوص نیت داشته‌اند و حالا آسیب دیده‌اند، خواه کشاورزان که به دلیل مشکلات اقلیمی معیشتشان با مخاطره مواجه شده است و خواه کارگران و معلمان و دانش‌جویان و... این مکانیسم فرودست‌سازی همواره در ایران وجود داشته. اما در سال‌های اخیر شدت پیدا کرده است.

اگر بخواهم خلاصه کنم، ما به‌طور سنتی در ایران، برای بسیاری از امور به دولت متکی بوده‌ایم. کاری به درست و غلط یا ریشه‌های این وضعیت ندارم؛ مسئله بر سر پیامدهای آن است. طبقه‌وقتی دولت کنار بکشد (از طریق آزادسازی قیمت‌ها، برداشتن یارانه‌ها، آزادسازی آموزش، بهداشت و...)، فضا ملتهب می‌شود. اگر بخواهم مقایسه کنم، باید بگویم در این چند سال، یعنی مشخصا از ۸۴ به بعد، ما در حال حرکت از الگوی ترکیه به الگوی پاکستان بوده‌ایم.

چرا مردم برای هر مطالبه‌ای به اعتراض خیابانی روی می‌آورند؟ مثلا در تقسیمات کشوری شاهد بودیم که در کارزون مردم به خیابان آمدند و برای اعتراضات کشته هم دادند. سؤال مشخصا این است که آیا مدل اعتراضی در ایران در حال تغییر است؟

یک دلایلش این است که خیابان را مال خود می‌دانند. خیابان یک فضای عمومی است، چراکه نه! دلیل دیگر اینکه وقتی شما معتقد هستید که مسیرهای طبیعی؛ مثلا نامه‌نگاری، اعتراض خاموش فردی، اعتراض خاموش جمعی، مذاکره و... باز هستند، خب ممکن است به آنها رو بیاورید، اما وقتی به این نتیجه برسید که کسی جوابگو نیست، خب طبعه سعه می‌کنید صدایتان را بلندتر کنید. البته اگر بتوانید. وقتی ساختارها در حال تغییرند، می‌شود

آموزش و بهداشت حداقلی باید همگانی باشند و به این منظور، مالیات‌ستانی از ثروتمندان لازم است؟ آیا معتقدند که منابع انرژی عمومی‌اند و همگان حق دسترسی به آنها را دارند یا خیر؟

آیا معتقدند توزیع مناصب و مشاغل باید براساس شایستگی باشد یا براساس زن خوب، جنسیت، ایدئولوژی، ثروت، طبقه و...؟ آیا به برابری فرصت‌ها اعتقاد دارند؟ آیا برای راه‌افتادن کارشان رشوه می‌دهند و رشوه می‌گیرند؟ آیا خود پایبند قانون هستند یا فقط رعایت آن را از جانب دیگران لازم می‌دانند؟ آیا معتقدند باید زنان را از کار و دانشگاه و خیابان و ورزشگاه بیرون کرد؟ آیا ملت را مجموعه‌ای متنوع می‌بیند یا آن را یک کل یکپارچه می‌بیند که در آن همه باید یک‌صدا باشند؟ آیا به حقوق هم احترام می‌گذارند یا خیر؟ آیا مسئولیت‌پذیر و قابل اتکا هستند یا خیر؟ و...

اما اگر وزنه به‌نفع توده سنگین باشد، کار سختی در پیش است. در این تجمعات، شعارهایی به نفع سلطنت سر داده شد که به نظر من نشانگر آن است که در جامعه‌ما بسیاری از آدم‌ها هیچ درکی از ریشه‌های وضع فعلی ندارند. در حالی که وضعیت اضطراری را دولت پهلوی آغاز شد. اگر این گرایش مسلط شود، قطعا شاهد تولد مردم نخواهیم بود؛ بلکه با توده سرورکار خواهیم داشت. آنچه بدان احتیاج داریم، تعمیق جمهوریت است. طبعه جامعه‌ای که نتواند قدرت‌طلبی را کنار بگذارد، سخت بتوان در آن از قانون‌مداری و برابری سخن گفت. وجود برخی علامت نشان‌دهنده این است که هنوز با یک جامعه‌عمدتا توده‌ای سروکار داریم. دست‌کم چشم‌انداز فعلی نوبیدبخش نیست، بلکه هشداردهنده است.

حضور زنان را در اعتراضات دی‌ماه اعتراضات جسته‌وگریخته اخیر چطور می‌بینید؟ اتفاقا حضور زنان هم معیار مهمی برای سنجش درجه توده‌ای بودن است. هر قدر فضا آرام‌تر باشد، امکان حضور زنان بیشتر است. در این جنبش‌ها هم ابتدا زنان حضور وسیع و چشمگیری داشتند، اما به نظر می‌رسد به‌تدریج حضور آنها کمتر شد.

ک‌شما امید اجتماعی را چگونه تعریف می‌کنید؟ در ایران امید اجتماعی در چه دورانی بیشتر حس می‌شد؟ از نظر شما در حال حاضر تکلیف مردم با امید چگونه است؟ آیا مردم ایران می‌توانند دوباره امید را احیا کنند؟

به نظر من وقتی همه‌اش از امید حرف می‌زنیم، یعنی از پیش در ناامیدی غوطه‌وریم. در واقع پروبندادن به این واژگان از جنس همان آدرس و غلط‌دادن است. چون در مواقع بحرانی، امید و ناامیدی که بیشتر وضعیتی عمدتا فردی است، معیار نیست. فرصت‌های ساختاری و ابتکارات و عاملیت انسانی جمعی اهمیت دارد. اگر اینها باشند یا ساخته شوند، می‌شود انتظار تغییر داشت. اگر نه، خیر.

ترجیح من این است که به جای امید و ناامیدی، عنصر تخیل جمعی یا سیاسی را بنشانم. چون یکی از مهم‌ترین عواملی است که سبب تحول در جوامع می‌شود و عبور از استیصال را ممکن می‌کند. اما باید یادآوری کنم که تخیل سیاسی اشکال گوناگون دارد. کسانی که قوانین اساسی را تدوین می‌کنند، فعالان احزاب سیاسی و تشکل‌های مدنی، فعالان سندیکایی و بسیاری دیگر از آدم‌هایی که کنش هدفمند دارند، صاحب تخیل‌اند. اینها هستند که تغییر سیاسی ایجاد می‌کنند. به جای گرایشات ارتجاعی یا امیدواری‌های بی‌مورد، باید تخیل جمعی‌مان را برای اندیشه به چیزی دیگر و تلاش برای تحقق آن احیا کنیم.

احیای تخیل سیاسی جمعی و آزادکردن آن در تغییر جوامع نقشی کلیدی دارد؛ وقتی که بخش بزرگی از مردم به‌جای ارجاع به گذشته یا ماندن در امروز از روی ترس، نتوانند وضعیت بهتری را متصور شوند و به جزئیاتش بپردازند و در صدد بر بیایند آن را عملی کنند.

خبر

منع به‌کارگیری کودکان زباله‌گرد توسط پیمانکاران شهرداری

● کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا در نامه‌ای به شورای شهر تهران، ضمن هشدار درباره وضعیت سلامت و امنیت کودکان کار در تهران، خواستار منع به‌کارگیری کودکان زباله‌گرد توسط پیمانکاران پسماند شهرداری شد. در این نامه خطاب به شهرداری و شورای شهر آمده است: «چنانچه مستحضرد بازترین جلوه‌گاه سیمای انسانی شهر شایسته، رعایت کرامت و حقوق شهروندان در سپهر عدالت است، خصوصا افشار ضعیف، آسیب‌پذیر و کودکان در صدر اهمیت مناسبات عادلانه قرار دارند؛ بازترین وصف «عدالت» استقرار هر شیء در موضع خود است. کودکان، معصوم‌ترین و نیازمندترین متعلقات در میان ما انسان‌ها هستند؛ جای آنها در میان زباله‌های شهروندان نیست!». در این نامه با اشاره به اعتراض مکرر نهادهای مدنی فعال در حوزه حقوق کودک به استخدام غیرقانونی کودکان توسط پیمانکاران مدیریت پسماند طرف قرارداد با شهرداری آمده است؛ و شورای شهر آمده است: «چنانچه مستحضرد هیچ‌گاه در بوت‌ه روزمرگی‌های زمانه، عادی‌سازی نخواهد شد؛ همه شهروندان در قبال این رخداد دهشتناک نامبارک مسئولیت انسانی دارند و باید غیرت مدنی خود را ابراز کنند. تکالیف نهادهای مسئول به‌تبع اولی بر زمین مانده و انتظار تسریع در اقدام بایسته می‌رود. آسیب‌های اجتماعی تبعی، ضرورت مداخله کنش‌مندانه و هدفمند شورای محترم شهر را موجه می‌سازد. سکوت شورای شهر، خلاف عهد نمایندگی شهروندان و میناق وجدانی اعضای محترم تلقی می‌شود». این کمیسیون با ابراز نگرانی از استمرار این روند غیرقانونی و خلاف موازین زیست انسانی و قواعد حقوق بشر و شهروندی تأکید کرد:

۱. اصل چهل‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر منع بهره‌کشی از کار دیگران تأکید دارد. همچنین به‌کارگیری کودکان در مشاغل سخت مانند زباله‌گردی حسب مواد ۷۹ و ۸۳ و ۸۴ قانون کار و همچنین مقاله‌نامه محو فوری بدترین اشکال کار کودک و این‌نامه اجرائی آن و ماده ۳۲ می‌نامه حقوق کودک غیرقانونی و ممنوع است. لکن متأسفانه به‌صورت سیستماتیک شاهد نقض این مقررات توسط پیمانکاران شهرداری هستیم.

۲. مکررا اخباری حاکی از سورفتار با کودکان زباله‌گرد منتشر می‌شود و مستمرا با خشونت و بدرفتاری مواجه هستند. از خشونت‌های کلامی و برخوردهای توهین‌آمیز گرفته تا ضرب‌وشتم که به شکل گسترده، حقوق اساسی آنها را نقض و به جای حل ریشه‌ای این آسیب اجتماعی، صرفا به مواجهه‌ای خشونت‌آمیز در مقابل این پدیده دست می‌زنند. اخبار منتشرشده و مکتوم تعرض‌ها و شگشتن حریم و کرامت معصومانه این کودکان خود شرح مخروانه مسئولیت‌افزار دارد؛ وضعیت مخاطره‌آمیز مستمری که این کودکان در آن زندگی می‌کنند زبیده ایران اسلامی نبوده و مرزهای هشدار را پشت سر گذاشته است.

۳. کودکان زباله‌گرد در معرض انواع بیماری‌های سخت هستند و روند درمانی ایشان نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. این گروه از کودکان از حق کودکی محروم و در معرض انواع آسیب‌های جسمی، جنسی و روانی قرار دارند. حق بهره‌مندی از آموزش رایگان که در کنف محرومیت از نیازهای اولیه در ردیف سایر اولویت‌های فرعی جای یافته است! جذب مدد داوطلبانه شهروندان و حمایت از گروه‌های مردم نهاد حامی کودکان در زمره بایسته‌های شورای شهر است.

۴. کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری مرکز ضمن نگرانی از روند روبه‌رشد جذب کودکان در زباله‌گردی و تعدد حوادث ناگوار، با توجه به نقش ذاتی شورای شهر حسب اصل صدم قانون اساسی و وظایف مصرح شوراها طبق بندهای ۲ و ۴ و ۱۸ ماده ۷۱ قانون شوراها و تأکید بر نقش نظارتی شورا نسبت به تخلفات صورت‌گرفته از سوی شهرداری و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آن، درخواست اتخاذ تصمیم قانونی آن شورا در موضوع کودکان زباله‌گرد را دارد.

۵. انتظار می‌رود شورای شهر، ضمن مقابله با نقضین حقوق کودک، مبادرت به شناسایی کودکان زباله‌گرد و ارائه بسته‌های حمایتی به ایشان و خانواده‌های آسیب و نیز کودکان مهاجری که در معرض ظلم مضاعف هستند نموده و با همکاری سایر نهادهای متولی در راستای تقویت و تأمین و توانبخشی، امکان قطع ارتباط کامل کودکان با زباله‌گردی را فراهم کند.